

نشریه دانشجویی:

بام دانش

آبان ماه ۱۴۰۱ / شماره ششم / گاهنامه



معاونت فرهنگی و اجتماعی
دانشگاه ولیعصر(عج)
رفسنجان

کتاب نخوان ها بخوانند!!

نقطه ی حداکثر تأمل

سه روز برای نشیدن!

به نام او

((آغاز سخن یاد خدا باید کرد/خود را به امید او رها باید کرد))

قلم در دست گیر و بنویس؛ از افکار زیبایت، از ایده های ناب، از دانسته های آموزنده ات و از هر چیزی که چراغ امید را در وجود دیگری روشن می سازد.

بنویس و یادت باشد خواستن تنها زمانی منجر به توانستن می شود که با درخواستن همراه شود.

بنویس و به بزرگی کسی بیندیش که می خواهد آرزویت را برآورده کند.

چه زیبا گفت شاعر معاصر:
زندگی تصویر است
قلم و کاغذ و رنگش از توست
قلمت را بردار
و به نقاشی آن همت کن

سر مقاله

عاطفه رشیدی
سردبیر



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: طهورا گچی	صفحه ۲	سخن مدیر مسئول و صاحب امتیاز طهورا گچی
سردبیر: عاطفه رشیدی	۳	کتاب نخوان ها بخوانند!! طهورا گچی
طراحی صفحات: فرزانه قربانی	۴	نقطه ی حداکثر تامل مریم اعظم پور
هیئت تحریریه:	۵	داستان مائده رضوی نژاد
خانم ها: عاطفه رشیدی، طهورا گچی، مریم اعظم پور، مائده رضوی نژاد	۵	روانشناسی مائده رضوی نژاد
	۵	مجازات شغلان طهورا گچی
دانشجویان علاقمند به همکاری در نشریات می توانند مقالات و نوشته های خود را با ما در نشریه دانشجویی بام دانش به اشتراک بگذارند. مطالبی در حیطه های: فرهنگی، ادبی، هنر، اجتماعی، تاریخی، طنز و ... مطالب را به صورت نوشته برای ما ارسال کنید برای ارتباط با ما، ارسال آثار و اطلاعات بیشتر میتوانید از طریق شماره زیر تماس حاصل فرمایید:	۶	سه روز برای نشیندن! طهورا گچی
	۷	معرفی نویسنده مائده رضوی نژاد
	۸	رویداد ادبی عاطفه رشیدی
	۹	رویداد های ماه مهر عاطفه رشیدی
	۱۱	رویداد های ماه آبان عاطفه رشیدی
	۱۳	با هم مهربان باشیم عاطفه رشیدی

خانم گچی: ۰۹۱۸۸۴۶۲۴۵۴



@bamedanesh_mag



سخن مدیر مسئول و صاحب امتیاز

طهورا گچی

چه خوش گفت مولانا:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟
به کجا میروم آخر ننمایی وطنم

ممکن است همه ما تجربه‌اش کرده باشیم . تا به حال متوجه شده اید؟ گاهی در تمام هیاهوی زندگی به ناگاه سکوتی در ذهن ، ما را به فکر وامی‌دارد . گویا که در هزارتویی گیر کرده باشیم و جز به آن فکر نکنیم . انسان با خود می‌گوید از ابتدا چرا من؟ انتخاب من نبود پس چرا من؟ الان در کجای زندگی هستم ؟ آیا این اهدافی که هر روز و هر روز برایشان میدوم تا سریعتر به دستشان بیاورم همان چیز است که برایش آمده‌ام؟ همه ما انسانیم . همه نیازهایی داریم . همه می‌خواهیم بهترین باشیم . خب! می‌توان گفت کاملاً طبیعی‌ست، اما خیلی درگیر دنیا شدن اصلاً طبیعی نیست . گاهی بنشینید و فقط نگاه کنید . به همه آنچه دارید نگاه کنید . آرام باشید . کمی آرام‌تر از همیشه! او دارد ما را می‌بیند . نگاهش به ماست . ممکن است وقتی کسی یادش بیافتد که در حال دیده شدن است از بسیاری از کارهایش خجالت زده بشود . اما دوست من ! هیچ وقت نگران نشو . او همیشه تو را با لبخند می‌بیند . منتظر است او را ببینی و متوجه‌اش بشوی تا تو را در آغوش بگیرد . منتظر است صدایش کنی، تا با زیباترین حالت ممکن طوری تو را پاسخ بگوید که از همه بی‌نیاز بشوی . پس همیشه نگاهت به او باشد . جز نام او بر زبان نیاور . او را در کنارت حس کن . نگاه تو به پادشاهی تبدیل خواهی شد . دنیا و عقبی برای تو می‌شود جمله‌ای خواندم که میگفت: زندگی چون پیچکی است که انتهایش به خدا می‌رسد . دوست من ! در سمت دوست باش .



کتاب نخوان ها بخوانند!

نویسنده: طهورا کچی

همان انسان های کتاب می توانند به ما روش زندگی را یاد بدهند . اینکه همسران وقتی به مشکل برخوردند چه کردند؟ دانش آموز برای خواندن درسش چه کاری انجام داد؟ پدر چگونه فرزندش را تربیت کرد ؟ میبینید؟ رمان ها شاید حتی بیشتر به کارمان بیایند . البته به این معنا ! نیست بقیه کتاب ها بی معنا هستند به آن شخص بگویید کتاب بخواند تا املای کلماتش بهتر و بهتر بشود . چون کتاب خواندن به ساختن کلمات هم کمک می کند. تا کنون دیده اید شخصی حین صحبت کلمات را گم می کند؟ خب اگر کتابخوان باشد احتمال این قضیه خیلی خیلی کمتر می شود! پس کتاب خواندن حتی باعث می شود افراد باهوش تر هم به نظر برسند. بنابراین دوست عزیز ، هم خودت کتاب بخوان ، هم به آن شخص بگو کتاب بخواند!

استرس را کم میکند؟ و آیا در جریان بودید که تاثیر بیشتری در کم کردن استرس نسبت به موسیقی و پیاده روی دارد؟ گویا که کتاب خاصیت درمانی هم داشته باشد. چون علاوه بر اینها بزرگسالان کتاب خوان هم کاهش شناختی کمتری دارند. پس کتابخوانی حتی پیری شما را هم تضمین می کند! میتوانید به

تا حالا شده در جمعی باشید یکی از اشخاص حاضر در جمع بگوید (کتاب خوندن؟ بابا بیخیال من درسای خودمو به زور میخونم حالا بیام کتاب دیگه ای هم بخونم ؟ من موسیقی رو ترجیح میدم) در پاسخ به این دوست عزیز چه باید گفت واقعا؟ دو راه داریم : راه اول به او بگوییم کارت فوقالعاده است! همینجوری ادامه بده) که راستش را بخواهید اصلا این را پیشنهاد نمی دهیم. چون خیلی چیز ها را از دست می دهد. و راه دوم که راه مورد علاقه من هم هست میتوانید از معجزات کتاب خواندن به او بگویید. می پرسید چه بگوییم؟ میتوانید بگویید خود کتاب معجزه است . کتاب خواندن تخیلات ما را بسیار تا بسیار تقویت می کند. تو میتوانی در حین اینکه در گوشه ای از اتاق با شلوار راحتی دراز کشیدی و موهایت ژولیده شده ، با دهانی باز ناشی از تعجب، با سرخپوستان استرالیایی به شکار بروی و کانکورویی بزرگ را ببینی که بچه اش را در کیسه خود دارد و همزمان با پرش های بلندی به این سو و آن سو میرود . یا با چینی هایی که مشغول ساخت دیوار چین هستند . یا حتی در مراسم شکنجه ای در اواسط قرون وسطا، گویا خودت با آنها زندگی میکنی، فوق العاده نیست؟ میتوانی به آن شخص بگویید کتاب بخوان تا استرس کمتری متحمل شوی ! میدانستید کتاب خواندن



آن شخص بگویید کتاب بخواند تا کمی اطلاعات اقتصادی فرهنگی تاریخی اش را بالا ببرد . راستش را بخواهید من حتی رمان ها را هم بسیار تا بسیار مفید میدانم . رمان ها داستان زندگی انسان هایی را تعریف می کنند که ممکن است هیچوقت آنها را نبینیم ولی روز و شب هنگام خواندن کتاب با آنها زندگی کردیم .



نقطه ی حداکثر تامل

نویسنده: مریم اعظم پور

زمانی را فرض کنید که قرار باشد در یک جزیره ی دور افتاده فقط یک همراه داشته باشید! چه کسی را با خودتان می برید؟ همسرتان؟ دوستتان؟ یک مشاور؟ باهوش ترین استاد دانشگاه؟ یک همدل که باشما صحبت کند و دلگرمی بدهد؟ البته که هیچ کدام برای بلندمدت به کارتان نخواهد آمد..

کسی را با خود ببرید که بتواند یک قایق بسازد!

بهترین ایده ها زمانی به سراغ تان می آید که مشغول نوشتن هستید نه در حال فکر کردن..

تحقیقات نشان داده ما همیشه در زمان فکر کردن به یک موضوع به نقطه ای می رسیم که انگار این نقطه، نقطه ی نهایی است دیگر هرچقدر هم فکر کنیم، حتی یک میلی متر هم از این نقطه جلوتر نخواهیم رفت، از این لحظه به بعد مقدار اطلاعات اضافی که با فکر کردن درباره ی آن موضوع به دست می آوریم به صفر می رسد این همان لحظه ای است که نقطه ی « نقطه ی حداکثر تامل» نام دارد.

اگر فکر کردن را مانند یک چراغ قوه جیبی در نظر بگیریم، عمل کردن مانند یک نورافکن به معنای واقعی کلمه است.

البته منظورم این نیست که من با فکر کردن روی جزئیات مخالف هستم، بررسی کردن یک ایده حتی برای لحظاتی کوتاه می تواند دید فوق العاده ای ب انسان بدهد. با این حال بازدهی این فرایند به سرعت کاهش می یابد و اینجاست که انسان را شگفت زده می کند که چقدر زود به نقطه ی تامل می رسیم اما حالا چرا ما عادت داریم بیش از اندازه روی مسائل فکر کنیم، بسیار فراتر از نقطه ی حداکثر تامل

چرا؟! چون این راحت تر است. خیلی راحت است که روی مسائل فکر کنیم تا اینکه ابتکار عمل آنها را به دست بگیریم! اما به یاد داشته باشیم گمانه زنی لذت بخش تر از عمل گرایی است اما نتیجه ی عمل گرایی بسیار لذت بخش تر از گمانه زنی است. زمانی که هنوز در حال سبک سنگین کردن گزینه های خود هستیم احتمال شکست تقریباً صفر است اما زمانی که ابتکار عمل را دست بگیریم احتمال شکست بیشتر می شود. بخاطر همین است مردم معمولاً بیشتر در حال تفکر و تامل هستند تا عمل. سعی کنید ذهن خودتان را زیاد مشغول نکنید.

تفکر زیادی باعث؛ ترس از اقدام کردن، از دست دادن اعتماد به نفس، ضعیف شدن حافظه، افسردگی و از همه مهم تر خستگی ذهنی میشود. ذهن خودتان را خسته نکنید اندکی تفکر منطقی و عاقلانه برای یک حرکت بزرگ و یک عمل موفقیت آمیز کافی است. تفکر در کنار عمل هست که نتیجه می دهد. با زیاد تفکر کردن باعث می شوید ذهن خود را خسته و درگیر کنید در نتیجه انرژی لازم جهت عمل نداشته باشید پیکاسو می گوید: برای اینکه بدانید چه چیزی می خواهید بکشید باید دست به قلم شوید.

کم فکر کنید اما درست و عاقلانه و منطقی فکر کنید و بعد اقدام کنید. زمان خود را با فکر های بیهوده هدر ندهید. و در آخر اینکه تمام این نوشته ها تجربه هایی است که برای خودم در زندگیم اتفاق افتاده و افتخار این را داشتم که با شما به اشتراک بگذارم امیدوارم مفید واقع شوند.





مجازات شغالان

نویسنده: طهورا کچی

شبى آغا محمد خان قاجار ، بين راه در صحرا ، شب را درون چادر خویش خوابید . اما سر و صدای شغالان مانع خواب آرام و بی دردسرش میشد . شب را به دست صبح سپرد . صبح روز بعد همه ملازمان را فراخواند و از آنها پرسید که چگونه شغالان را مجازات بکند ؟

هر کدام حرفی می زد و پیشنهادی میداد ، اما او همه را رد میکرد و به دنبال کیفری سخت تر می گشت . سرانجام گفت (همه شغالان را بگیريد و نزد من بیاورید) همه شغالان را گرفته و آوردند . آغا محمد خان بر گردن تک تک آنها زنگوله ای آویخت ، و آنها را دوباره در صحرا رها کرد . هنگامی که شغالان به دنبال غذا میرفتند صدای زنگوله باعث ترس طعمه هایشان میشد . پس هیچ کدام از آنها نتوانستند غذایی شکار کنند . مدتی گذشت و همه آنها از گرسنگی مردند . و اینگونه به کیفشان رسیدند .



روانشناسی

خودویران گری چیست ؟
بیشتر ما تجربه ی گفتگوهای درونی منفی با خودمان را داریم . این که خودمان و توانایی هایمان را زیر سوال ببریم و به امکان رسیدن به هدف شک کنیم . زمانی که این واگویه های منفی زیاد شوند ، تبدیل به خودویران گری می شوند . آدم خودویران گر زمانی که در تلاش است به هدفش برسد ، ناگهان بدون هیچ دلیل منطقی ترمز می کند . او مهارت لازم برای انجام کار را دارد ، قدرتش را دارد ، و اشتیاق لازم برای رسیدن به هدف را هم دارد ؛ اما چیزی جلوش را می گیرد و اجازه پیشرفت به او نمی دهد . پس اگر کاری هست که فکر می کنید باید قدرت کافی برای انجامش داشته باشید ، اما نمی توانید انجامش دهید ، خودویران گری دارد خودش را نشان می دهد . مواردی مثل به تعویق انداختن کارها ، آرزوهای دست نیافته ، نگرانی و خودخوری ، خشم بی مورد ، احساس بی ارزشی و .. می توانند از نشانه های خودویران گری باشند . اگر تصمیم دارید در شغلتان پیشرفت کنید ، یا زندگی تان را تغییر دهید ، باید بر این خودویران گری غلبه کنید . وگرنه اعتماد به نفستان را از دست می دهید و دیگ

داستان

یکی از دختران امیرالمومنین (ع) از خزانه دار بیت المال ، یک گردنبند قیمتی را قرض گرفت ، تا در عید قربان با آن خود را زینت کند ؛ امیرالمومنین گردنبند را به گردن دخترش دید و شناخت ، بعد فرمود : این گردنبند از کجا به تو رسیده است ؟!

دخترش گفت : از خزانه قرض گرفتم تا برای روز عید برای زینت استفاده کنم .

علی (ع) همان موقع نزد ابورافع خزانه دار رفت ؛ به او فرمود : آیا به مسلمانان خیانت میکنی ؟!

او گفت : یا علی هرگز و حاشا که خیانت کنم !

فرمود : پس چگونه گردنبند بیت المال را به دخترم عاریه دادی ؟!

گفت : یا علی ؛ او دختر تو و امیر مومنان بود ، و گردنبند را فقط برای مدتی قرض دادم .

فرمود : همین امروز آن را برگردان و مبادا تکرار شود که به عنوان سارق مجازات خواهی کرد !

اگر دخترم هم برای کاری غیر از قرض آن را گرفته بود ؛

نخستین زن هاشمی بود که دستش را برای سرقت قطع میکردم !!!

#عدل موقوف علی

تهذیب الاحکام ، ج ۱۰ ، ص ۱۵۱





سه روز برای نشیندن!!

نویسنده: طهورا کچی

علاوه بر صدایش به آغوش مردانه او که از جنس آرامش محض است نیاز دارید. اما الان فقط صدایش را می‌توانید داشته باشید. حاضر میشوید از کارهای اشتباهی که تا به حال برای پنهان کردنشان تلاش کرده‌اید سخن بگویید که پدرتان شما را تنبیه کند فقط بخاطر نشیندن صدایش. اما باز هم مثل همیشه با مهربانی با شما برخورد می‌کند. مدتی با شما صحبت می‌کند تا حس بدی نداشته باشید؛ بعد ادامه صحبت را به بعد موکول میکند. تماس را قطع میکنید و با صدای بلند گریه میکنید. فریاد می‌زنید که دیگر شنیدنی در کار نیست. مادر... صدای مادر مانده است. ظلم بزرگیست به خود که بدون شنیدن صدای مادر به آغوش نشیندن بروید. تماس را برقرار میکنید، طبق معمول با اولین بوق برمی‌دارد و جانمی در گوشتان طنین انداز می‌شود. دل را به دریا می‌زنید و با صدای بلند گریه میکنید. به او می‌گویید (مامان من می‌ترسم. خیلی می‌ترسم. باهام حرف بزن بذار صداتو بشنوم) او هم با مهربانی و آرامش شروع به صحبت می‌کند؛ سعی میکند با شما شوخی کند تا حالتان بهتر بشود [چپیده مامان جان؟ نکنه باز شیطونی کردی؟ مثل بچگیات لباساتو خاکی کردی می‌ترسی بیای خونه؟] اشک‌هایتان بند نمی‌آید اما تمام تلاشتان را میکنید صدای گریه‌تان آرام باشد تا صدای مادرتان را از دست ندهید. تمام مدت با آرامش همیشگی صحبت می‌کند. دقیقا مثل همان وقت هایی که از او در حل مسائل کمک می‌خواستید. گویا فقط می‌خواهد شما را آرام کند. در آخر می‌گوید [مامانی؟ من همیشه دوست دارم. هر جوری که باشی هم هیچ وقت تنها نیستی. من همیشه پشتتم. از هیچی نترس. من همیشه همینجام. آروم باش. الانم زود بیا خونه. هوا سرده، سرما می‌خوری عزیز دلم] با اشک تماس را قطع میکنید. می‌ترسید خیلی هم می‌ترسید. اما بخاطر شنیدن حرف های مادرتان آرامشی هم در وجودتان سوسو می‌زند. ساعت به شما می‌گوید که نیمه شب نزدیک است. دلهره شما بیشتر میشود. ناگهان با صدای زنگ موبایل به خودتان می‌آیید. دوستان تماس گرفته است. به سرعت تماس را وصل میکنید و او بدون اینکه به شما اجازه صحبت بدهد شروع می‌کند به حرف زدن (چطوری؟ زنگ زدی نبودم داشتم شام می‌خوردم. اگه بدونی امروز چه شده بود؟ بهت گفتم؟...)

غافل از اینکه شما دیگر نمیشنوید ...



شنیده‌اید که می‌گویند اشیا را با اصدادشان می‌شناسند و درک میکنند؟ اما من می‌گویم فقط اشیا این ویژگی را ندارند. همه چیز را می‌توان با صداهایش شناخت. تا به حال به نعمت هایی که دارید فکر کرده‌اید؟ دیدن، راه رفتن، دودن، نفس کشیدن، لبخند زدن، حرکات دست و انجام کارها، تپیدن قلب، صحبت کردن، همین حالتی که چشمانتان را روی این کلمات عبور می‌دهید و... اینها همه نعمت هایی هستند که خداوند به ما داده است. چرا تا این اندازه به آنها بی‌توجه شده‌ایم؟ تا به حال متوجه انسان های عینکی شده‌اید؟ وقتی عینکشان را نداشته باشند مدام به دنبالش می‌گردند و می‌گویند (چیزی نمی بینم). همه اینها جزئی از ما شده‌اند به حدی که اصلا توجهی به آنها نمی‌کنیم. باید برای هر لحظه که از آنها استفاده میکنیم خدا را سپاس بگوییم. واقعا انجام میدهیم؟ از شما می‌خواهم الان به شنیدن فکر کنید. به نعمت شنیدن. تصور کنید چندی از غروب گذشته است. به شما می‌گویند از فردا به مدت سه روز هیچ چیز را نمی‌شنوید و بعد از اتمام سه روز هم خواهید مرد خدای من! تلاشی می‌توان کرد؟ چه چیز را دوست دارید بشنوید؟ شما فقط تا آخر شب مهلت شنیدن دارید. همین الان باید انتخاب کنید. چه را می‌خواهید بشنوید؟ صدای چه کسی؟ صدای چه چیزی؟ می‌توان بین شنیدن صدای پدر و مادر انتخاب کرد؟ با گریه با بهترین و صمیمی ترین دوستان تماس میگیرید فقط به امید اینکه از او یک (الو) ساده و عادی بشنوید. اما از قضا او موبایلش را در حال سکوت گذاشته و از آن دور شده، متوجه تماس شما نیست. چه میکنید؟ قرار است تا آخر صدایش را نشنوید. به خودتان می‌آیید و تماس بعد را میگیرید. به خواهر یا برادران زنگ می‌زنید. کمی با تاخیر پاسخ می‌دهد. اما با هر صدای بوق تمام تنتان میلرزد که نکند نتوانم صدایش را بشنوم. حتی نمی‌خواهید او را در جریان بگذارید؛ فقط تصمیم دارید از او خواهش کنید همان خاطره‌ی تکراری که بارها و بارها برایتان تعریف کرده و شما به او میگفتید (بسه دیگه کم اینو تعریف کن) و حتی بار آخر با او دعوا کردید را تعریف کند. فقط می‌خواهید صدایش را بشنوید. با (الو) گفتنش به خودتان می‌آیید. اشک‌هایتان سرازیر شده. او مدام الو می‌گوید و منتظر پاسخ شماست. نفس عمیقی میکشید و سعی می‌کنید صدایتان نلرزد و از او می‌خواهید خاطره را تعریف کند. او هم با خنده و شادی دوباره تعریف می‌کند. غافل از اینکه شما در این سمت تماس گریه میکنید و در دلتان قربان صدقه‌صدایش می‌روید. تماس تمام میشود نوبت به پدرتان می‌رسد. تماس میگیرید. مدت زیادی منتظر نمی‌مانید که صدای مردانه‌ای قلبتان را به لرزش درمی‌آورد. پدر شماست. با او سخن بگویید. حس میکنید



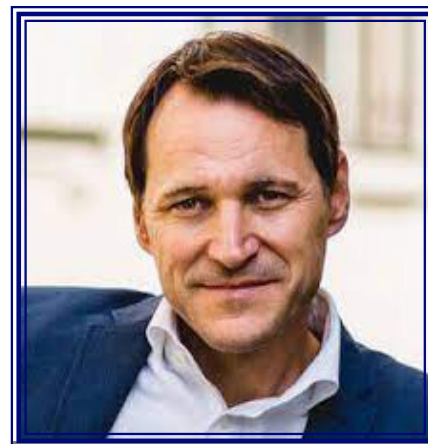
معرفی نویسنده

نویسنده: مائده رضوی نژاد



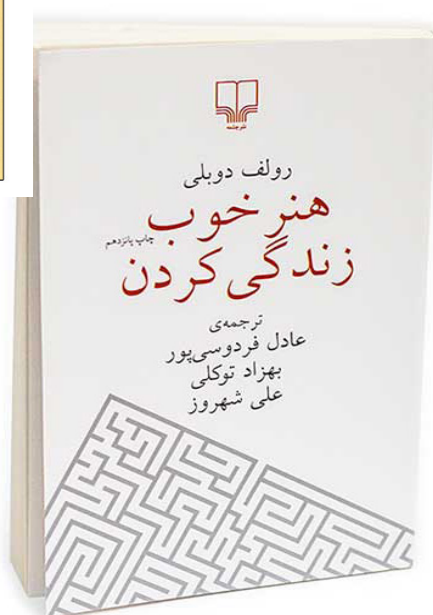
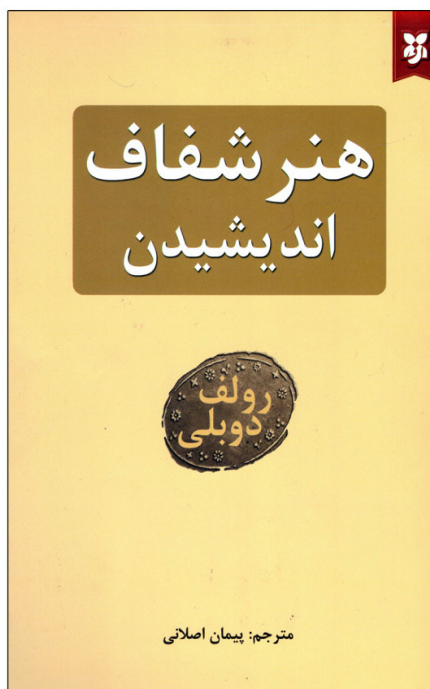
اگرچه آشنایی با این جعبه ابزار به تنهایی تجربه یک زندگی خوب را ضمانت نمی‌کند ولی دست‌کم کمک می‌کند تا در زندگی عملکرد بهتری داشته باشیم

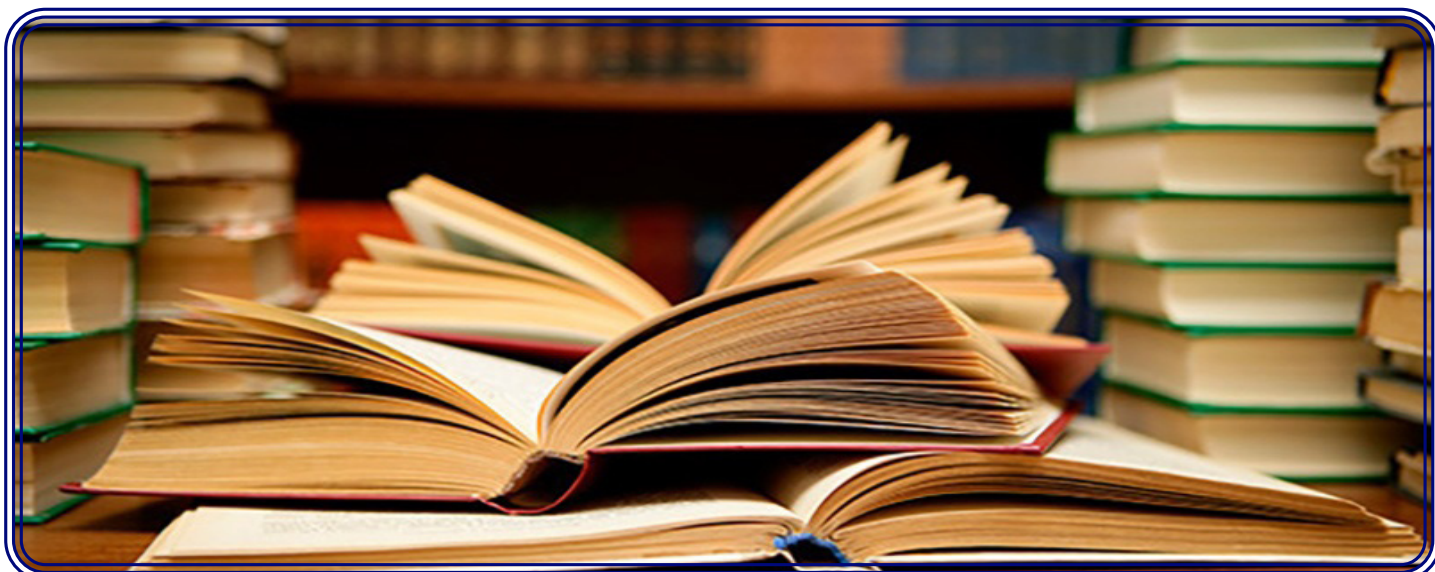
نتایج تحقیقات خود را منتشر کرده است و می‌توان به این کتاب به عنوان یک اثر پژوهشی نگاه کرد. کتاب هنر خوب زندگی کردن اثر رولف دوبلی را به این شکل می‌توان توصیف کرد: هنر خوب زندگی کردن، مجموعه‌ای از روش‌های عملی و کاربردی است که به تأکید نویسنده حاصل سال‌ها تحقیق و گردآوری مطالب گوناگون در حوزه‌ی روان‌شناسی، فلسفه، علوم اقتصاد، ریاضی و تجارت است. در این کتاب با جعبه‌ای شگفت‌انگیز از ابزارهای ذهنی آشنا می‌شوید. با بهره‌گیری از این ابزارهای هوشمند، بسیاری از انگاره‌های ذهنی شما دگرگون می‌شود.



آشنایی با رولف دوبلی نویسنده کتاب هنر خوب زندگی کردن

در «Rolf Dobelli» رولف دوبلی ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۶۶ در سوئیس به دنیا آمد. او یک تاجر و نویسنده فوق‌العاده محسوب می‌شود. او سال ۲۰۰۲ نویسنده‌گی را به عنوان یک رمان‌نویس آغاز کرد. او در حال حاضر به خاطر دو اثر بی‌نظیر خود در جهان از جمله ایران مشهور است. کتاب هنر شفاف اندیشیدن که در سال ۲۰۱۱ به زبان آلمانی و در سال ۲۰۱۳ به زبان انگلیسی منتشر شد. کتاب هنر خوب زندگی کردن که این کتاب هم در سال ۲۰۱۷ به زبان انگلیسی منتشر شد و مخاطبان را از سراسر جهان به سمت خود جذب کرد. وی خودش MBA در سال ۱۹۹۱ مدرک را از دانشگاه سنت گالن سوئیس گرفت. سپس برای اخذ مدرک دکترای در رشته فلسفه اقتصادی اقدام کرد و مدرکش را در سال ۱۹۹۵ گرفت. وی تاکنون چنین موسسه را راه اندازی کرده و به سمت موفقیت هدایت کرده است. رولف دوبلی در کتاب هنر خوب زندگی کردن مجموعه‌ای تجارب و





سی امین هفته کتاب زودتر از موعد برگزار می شود

از سال ها پیش هر ساله در جامعه با اهداف مختلفی از جمله: توسعه فرهنگ مکتوب، توسعه کتابخوانی و ایجاد شور و شوق در جامعه به ویژه برای کودکان و نوجوانان، هفته ای با نام کتاب شکل گرفته است و برنامه های متنوعی در این هفته اجرا می شود. سی امین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران امسال با فاصله گذاری از آغاز جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، یک هفته زود تر از زمان هر سال یعنی از بیست و یکم تا بیست و هفتم آبان ماه برگزار می شود.

اولین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در روز های چهارم تا دهم دی ماه سال ۱۳۷۲ برگزار شد اما در سال های بعد از آن در ۲۴ آبان ماه روز کتاب، کتاب خوانی و کتابدار آغاز می شود و در روز ۳۰ آبان ماه به پایان می رسد. امسال جام جهانی فوتبال در روز ۳۰ آبان ماه، ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲ در کشور قطر آغاز خواهد شد و به نظر می رسد تغییر زمان هفته کتاب برای فاصله گذاری آن با یکی از مهمترین رویداد های جهانی در آن ایام است که بسیاری به آن علاقه مند و پیگیر آن هستند.

به گفته آقای رمضانی، دبیر سی امین دوره هفته کتاب کشورمان، سال گذشته بیش از ۱۱۱ هزار عنوان کتاب در کشور تولید شد که بیش از ۸۰ هزار عنوان آن چاپ اول بودند.

به نظر می رسد که **”ما همانیم که میخوانیم“** به عنوان شعار هفته کتاب امسال انتخاب شده است. همچنین نام گذاری روز های سی امین هفته کتاب به شرح زیر است:

شنبه بیست و یکم آبان ماه: کتاب، دانش آموز، آینده

یک شنبه بیست و دوم آبان ماه: کتاب، خانواده، زندگی آگاهانه

دو شنبه بیست و سوم آبان ماه: کتاب، دانشجو، پیشرفت دانش بنیان

سه شنبه بیست و چهارم آبان ماه: کتاب، کتاب خوانی و کتابدار

چهارشنبه بیست و پنجم آبان ماه: کتاب، رسانه و زبان فارسی

پنجشنبه بیست و ششم آبان ماه: ناشران، کتاب فروشان و ارکان صنعت نشر

جمعه بیست و هفتم آبان ماه: کتاب، ورزش و جوانمردی



رویداد های ماه مهر ۱۴۰۱

نویسنده: عاطفه رشیدی

۳ مهر



(رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۱۱ هـ.ق)
حضرت محمد(ص) در ۱۷ ربیع الاول سال عام الفیل در مکه متولد شدند. لقب آن حضرت مصطفی و کنیه ایشان ابوالقاسم می باشد. ایشان در سن ۶۳ سالگی بعد از ۲۳ سال نبوت سر انجام در ۲۸ صفر در مدینه چشم از جهان فرو بستند.

۳ مهر

شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام (۵۰ هـ.ق)
امام حسن مجتبی(ع) امام دوم شیعیان در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه دیده به جهان گشودند و در سن چهل و هفت سالگی پس از ۱۰ سال امامت در ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری به شهادت رسیدند. مرقد شریف ایشان در قبرستان بقیع می باشد.



۵ مهر



شهادت حضرت امام رضا علیه السلام (۲۰۳ هـ.ق)
امام رضا (ع) امام هشتم شیعیان در یازده ذیقعده سال ۱۴۸ هجری در مدینه متولد شدند. نام ایشان علی(ع) و لقب ایشان رضا می باشد. امام رضا در سن ۵۵ سالگی پس از ۲۰ سال امامت در آخر صفر سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسیدند.

۸ مهر

روز بزرگداشت مولوی
مولانا جلال الدین محمد بلخی شاعر و عارف پارسی گوی پرآوازه که با شمس تبریزی هم دوره بود، صاحب آثاری مانند مثنوی و فیه ما فیه است.





رویداد های ماه مهر ۱۴۰۱

نویسنده: عاطفه رشیدی

۱۳ مهر



شهادت حضرت امام حسن عسکری (ع) (۲۶۰ هـ.ق) و آغاز ولایت حضرت ولی عصر (عج) امام حسن عسکری (ع) امام یازدهم شیعیان پس از شش سال امامت در سن ۲۸ سالگی در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیدند و از آن پس امامت مردم را فرزندشان امام مهدی (ع) عهده دار شدند.

۲۲ مهر

ميلاد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله (۵۳ سال قبل از هجرت) میلاد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مؤسس مذهب جعفری (۸۳ هـ.ق) [۱۷ ربیع الاول]



۲۶ مهر



روز تربیت بدنی و ورزش ورزش فواید بی شماری دارد و مایه مبارزه با کسالت و تنبلی و سلامت جسمانی و فکری و... است؛ به همین علت توجه به ورزش و گسترش آن بین تمام اقشار جامعه اهمیت زیادی دارد. در ایران هر سال از ۲۶ مهر تا ۲ آبان ماه هفته تربیت بدنی نام گرفته است.

۲۹ مهر

روز ملی صادرات صادرات به عنوان موتور محرکه اقتصاد و رمز بقای کشور ها در بازار های جهانی نقش مهمی را در عرصه اقتصاد ایفا می کند. از سال ۱۳۷۶ بیست مهر ماه به عنوان روز ملی صادرات در ایران تعیین شده است.





رویداد های ماه آبان ۱۴۰۱

نویسنده: عاطفه رشیدی

۱ آبان

روز آمار و برنامه ریزی

در تقویم جهانی ۲۰ اکتبر به عنوان روز آمار نام گذاری شده است. این نام گذاری بر این موضوع تاکید دارد که اطلاعات آماری رسمی با کیفیت بالا در تجزیه، تحلیل و تصمیم گیری نقش مهمی دارند.



۱۲ آبان

ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری (ع)، امام یازدهم شیعیان در هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ در مدینه دیده به جهان گشودند. کنیه ایشان ابومحمد است.



۱۳ آبان

تسخیر لانه ی جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان (۱۳۵۸ هـ.ش) و روز دانش آموز و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی
این روز یکی از روز های مهم در انقلاب اسلامی ایران می باشد.





رویداد های ماه آبان ۱۴۰۱

نویسنده: عاطفه رشیدی

۱۴ آبان

وفات حضرت معصومه سلام الله علیها

حضرت فاطمه معصومه (س) دختر امام موسی کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع) می باشند. ایشان در ۱۰ ربیع الثانی ۲۰۱ ه.ق در قم دیده از جهان فرو بستند.



۱۸ آبان

روز ملی کیفیت

هر سال در این روز، به برترین و سرآمدترین سازمان های ایرانی حائز شرایط در بخش های مختلف کشور که در زمینه ارتقا کیفیت و سرآمدی کسب و کار فعالیت های چشمگیری را انجام داده اند، جوایزی اعطا می شود.



۲۴ آبان

روز کتاب و کتاب خوانی

به دلیل اهمیت فوق العاده کتاب و کتاب خوانی هر ساله بیست و چهارم آبان ماه در تقویم به این اسم نام گذاری شده است.





بی بهانه مهربان باشیم



نویسنده: عاطفه رشیدی

بی بهانه مهربان باشید...!
آدمهای مهربان در مقابل خوبی های
یکطرفه؛ هرگز احساس حماقت نمیکنند
چون خوب بودن برای آنها عادت شده است
آدم های مهربان از سر
احتیاجشان مهربان نیستند
آنها دنیا را کوچکتر از آن میبینند
که بدی کنند...
آدمهای مهربان خود انتخاب کرده اند
که نبینند نشوند و به روی خود نیاورند
نه اینکه نفهمند....

آن ها چیزی را فراموش نمی کنند اما ترجیح می دهند ببخشند...
آدم های مهربان خود و با اراده خود می خواهند به زیباترین صورت
ممکن فکر کنند نه آنکه جواب منفی یک چیز را متوجه نشوند...
اگر جوابتان را نمی دهند احتمالا فکر می کنند موضوع کم اهمیت تر از
آن هست که ارزش بحث کردن داشته باشد یا حتی ممکنه نگران این
باشند که در جمع حرمت ها شکسته شود، دلی بشکند، لبخندی از بین
برود و....

و گرنه هزاران جواب رنگارنگ در ذهنشان خودنمایی می کند
و هزاران فریاد پشت سکوت آدمهای
مهربان هست و یا حتی لبخندهایشان...
سکوتشان را به پای بی عیب بودن...
خود نگذارید....
اندکی تأمل کنید....

